

مقاله استراتژیک موسویان در دیلی تلگراف:

ایران و آمریکا می‌توانند با اتحاد آینده خاورمیانه شکل دهند

عضو پیشین تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در مقاله‌ای تاکید کرده است که برای نخستین بار در تاریخ، آمریکا فرصت این را پیدا کرده که از وابستگی همه‌جانبه و شدید خود به متحدان منطقه‌ای خود که از این کشور سواری می‌گیرند، رها شود.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری آنا، مقاله سید حسین موسویان، دیپلمات پیشین هسته‌ای و استاد دانشگاه پرینستون آمریکا در نشریه انگلیسی دیلی تلگراف به شرح زیر است:

توافق تاریخی میان ایران و قدرت‌های جهانی در قالب گروه ۱+۵ نتایج گسترده‌ای خواهد داشت. اغراق نیست اگر بگوییم که خاورمیانه و در واقع تمام دنیا دیگر هرگز در چنین وضعیتی نخواهد بود. قطعنامه صلح‌آمیز به دست آمده درباره مسئله‌ای که به یکی از پرفشارترین بحران‌های دوران ما تبدیل شده بود، یک پیروزی برای ایجاد ثبات و نظم در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود.

همان‌طور که بسیاری از ناظران بین‌المللی اشاره کرده‌اند، این توافق یک بخش عمده از میراثی خواهد بود که اوباما بر جای می‌گذارد. با وجود این دلیل این مسئله این نیست که توافق به دست آمده تا چه حد مهم است و بحران درباره برنامه هسته‌ای ایران حل شده است، اگرچه این به نوبه خود یک موفقیت و دستاورد بزرگ است، بلکه دلیل آن این است که این توافق درها را برای ایجاد راهبرد جدید آمریکا در قبال خاورمیانه گشوده است.

چیزی که این توافق به آمریکا داده است، گزینه‌ای است که پیش از این هرگز پیش روی این کشور قرار نگرفته بود؛ فرصتی برای رهایی از وابستگی کامل به متحدان منطقه‌ای این کشور که دهه‌ها است گریبان آمریکا را گرفته است. این توافق درها را برای ایجاد یک چارچوب امنیتی جدید در منطقه باز می‌کند، چارچوبی که در آن آمریکا و ایران برای پیش بردن منافع یکدیگر و نه مقابله با آن با هم همکاری کنند. نتایج چنین همکاری‌ای به احتمال زیاد یک خاورمیانه باثبات، دارای صلح و آرامش و

کامیاب ایجاد خواهد کرد که جلوی هدر رفتن منابع منطقه و قدرت‌های جهانی را خواهد گرفت.

استراتژی فراگیر آمریکا در قبال خاورمیانه مدت‌ها است که بر پایه ایده‌ای که به طور خلاصه می‌توان از آن به عنوان استراتژی «نفت برای امنیت» یاد کرد، قرار گرفته است. این سیاست آمریکا را مجبور کرده است که تعهدات امنیتی را برای برخی از مستبدترین حکومت‌های جهان فراهم کند تا از بابت خروج آزادانه نفت از منطقه اطمینان داشته باشد. همانطور که یکی از سیاستمداران سابق آمریکا به من گفته است: ما تنها در کلام بر ارزش‌های خود در خاورمیانه مانند ایجاد دموکراسی تاکید کرده‌ایم، اما در عمل نفت در چندین دهه اخیر به اعتقاد و مذهب ما در منطقه تبدیل شده است.

نتایج چنین سیاستی باعث شده منافع آمریکا در منطقه و همچنین ثبات منطقه به طور میراث رئیس‌جمهور او باما برای قطع دچار آسیب شود. نه تنها آشوب و هرج و مرج در منطقه گسترش یافته است و این نسل‌ها باقی خواهد ماند، اگر او از این مسئله باعث شده آمریکا در آستانه یک تنش گسترده و هزینه‌زا قرار گیرد، بلکه بدتر از فرصت برای ایجاد تغییر در حالت و آن متحدان آمریکا در منطقه یک نقش عمده و اساسی را به عنوان یک عامل وضعیت استراتژیک خود در تحریک‌کننده در این تنش‌ها ایفا کرده و تاکنون کمک بسیار ناچیزی برای حل این خاورمیانه استفاده کند. با به دست مسئله به آمریکا ارائه داده‌اند.

واقعیت این است که اگرچه این حکومت‌ها منافع زیادی از یک شراکت امنیتی قوی با آمریکا این مسئله باعث خواهد شد آمریکا بهره‌های زیادی می‌برند، اما آنان کمک بسیار کم و ناچیزی در حد صفر در قبال عربستان از صدر جدول بزرگترین تلاش برای افزایش ثبات و از بین بردن تروریسم در منطقه به آمریکا ارائه می‌دهند. تولیدکنندگان نفت دنیا تا سال ۲۰۲۰ همانطور که تمام دنیا شاهد آن است، متحدان آمریکا در منطقه کمک بسیار ناچیزی در میلادی به زیر کشیده شود، زمانی امر حل تهدید داعش که در کشورهای لیبی، سوریه، عراق، لبنان، یمن و حتی اردن برای این تغییر استراتژی هرگز بهتر حضور یافته است، ارائه داده‌اند. جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در این باره از زمان کنونی وجود نداشته است.

می‌گوید: متحدان ما در منطقه بزرگترین مشکل ما هستند. آنان صدها میلیون دلار پول و ده‌ها هزار تن سلاح را به هر کسی که تمایل داشت با اسد مبارزه کند، دادند. این در حالی است که افرادی از بابت داشتن پول و سلاح تامین شدند که اکنون جبهه النصره و القاعده را تشکیل داده‌اند و یا بخشی از نیروهای جهادی هستند که از سرتاسر دنیا به منطقه آمده‌اند.

روابط آمریکا با متحدان خاورمیانه‌ایش به یک مشکل و به طور کلاسیک یک خطر اخلاقی تبدیل شده است به طور خلاصه

می‌توان گفت که متحدان آمریکا در منطقه در هر اقدام خصمانه و تحریک آمیز در منطقه نقش دارند و این در حالی است که آنان از این مسئله آگاهی دارند که آمریکا هزینه‌های هر شکست و یا اقدام نادرست آنان را خواهد پرداخت. یمن نمونه بارز و کاملی در این باره است. در شرایطی که حملات ائتلاف به رهبری عربستان به این کشور ادامه دارد، این حملات به تقویت قدرت القاعده در شبه جزیره عربستان به طور گسترده‌ای کمک کرده است. حقیقتی که به نظر نمی‌رسد مقامات عربستان کوچکترین نگرانی درباره آن داشته باشند، زیرا آنان می‌دانند که آمریکا در نهایت مجبور خواهد بود این تهدید را برای آنان از بین ببرد.

بهار عربی نشان داده است که رژیم‌های فاسد، مستبد و خودرأی محکوم به سقوط هستند و آمریکا نمی‌تواند این مسیر را از بین ببرد و منحرف کند. کینه‌توزی این حکومت‌ها و رژیم‌های عربی در زمینه مقابله آنان با این مسئله متأسفانه به طور اجتناب‌ناپذیری منجر به افزایش ایجاد گروه‌های تروریستی افراطی از یک سو و ایجاد استبدادهای بیشتر از سوی دیگر شده است. همانطور که بسیاری از کارشناسان مکرراً این مسئله را گوشزد کرده‌اند، مشکل تروریسم باقی خواهد ماند، مگر آنکه حکومت‌های منطقه نیازهای اعضای به حاشیه رانده شده جامعه خود را برآورده کنند و بیش از پیش مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند.

این یک مسئله طعنه‌آمیز و جالب است که امروزه مخالف اصلی آمریکا در منطقه یعنی ایران در واقع در مقایسه با بسیاری از متحدان آمریکا در منطقه بسیار باثبات‌تر، پر قدرت‌تر و دموکراتیک‌تر است و منافع بلندمدت مشترک بسیار بیشتری با آمریکا دارد. ایران یکی از قدرت‌های پیشرو در منطقه در زمینه مبارزه با تروریسم افراطی است و تفاوتی ندارد که نام تروریست‌های افراطی داعش باشد یا النصره یا القاعده. علاوه بر این ایران تمایل خود برای به کار گرفتن تمامی منابع در اختیارش از جمله استفاده از نیروی زمینی‌اش برای مقابله با این مسئله و پیروزی در این جنگ را ثابت کرده است. برخلاف آنچه که در مسئله هسته‌ای ایران به یک بحران تبدیل شد و احتمالاً برخی از افراد آن را باور کرده باشند، این کشور مبتکر طرح خاورمیانه عاری از سلاح اتمی بوده است و ۲۰ سال است که از طرح خاورمیانه عالی از سلاح‌های کشتار جمعی حمایت می‌کند. توافق هسته‌ای تعهد ایران را در این رابطه نشان داده و مستحکم کرده است. ایران مانند آمریکا منفعت بسیاری از تامین امنیت عبور امن مواد هیدروکربنی از خلیج فارس به دست می‌آورد و در واقع برخلاف بسیاری از کشورهای متحد آمریکا در خلیج فارس، ایران ابزار ایجاد این امنیت را در خود دارد.

میراث رئیس‌جمهور اوباما برای نسل‌ها باقی خواهد ماند، اگر او از این فرصت برای ایجاد تغییر در حالت و وضعیت استراتژیک

خود در خاورمیانه استفاده کند. با به دست آمدن توافق هسته‌ای میان ایران و آمریکا این مسئله باعث خواهد شد عربستان از صدر جدول بزرگترین تولیدکنندگان نفت دنیا تا سال ۲۰۲۰ میلادی به زیر کشیده شود، زمانی برای این تغییر استراتژی هرگز بهتر از زمان کنونی وجود نداشته است. روابط دوستانه‌تر میان ایران و آمریکا به طوری که هر دو طرف در راه‌هایی که منافع دوجانبه برای دو کشور داشته باشد، همکاری کنند و همچنین در زمینه پرورش و ایجاد یک نظام همکاری منطقه‌ای در میان قدرت‌های خاورمیانه به ویژه ایران و عربستان با هم همکاری داشته باشند، تنها راه برای پیشرفت و رو به جلورفتن است.